

بیانیه

گروهی از مترجمان ایران (گاما)

در همراهی با جنبش «زن، زندگی، آزادی»

ما مترجمان همیشه متن‌ها را پس از اتمامشان ترجمه کرده‌ایم. متنی که اکنون در ایران نوشته می‌شود هزاران نویسنده دارد و همزمان با نوشته‌شدنش به یک زبان ترجمه می‌شود. در این ترجمه اما تنها باید دستور زبان این جنبش را دانست. هر شهروند اکنون مترجم صدای خودش و دیگران است. ما مترجمان همانند دیگر شهروندان ایران و جهان نام‌رمزگونه‌ی «مهما» (امینی، و دیگر زنان و مردان و کودکان به‌خون‌خفته و زندانی این جنبش را، در سرتاسر کشور، بارها با خود و با دیگران تکرار کرده‌ایم؛ شعار جهان‌گیر و دوران‌ساز «زن، زندگی، آزادی» را که طلیعه‌ی آینده‌ی این سرزمین است شنیده‌ایم، گفته‌ایم، و به هر زبانی که می‌دانیم تکرار کرده‌ایم.

ما مترجمان در کنار میلیون‌ها شهروند در برابر همه‌ی مظاهر سلطه‌ی که همگان را، خصوصاً زنان را، به انواع انقیادها زنجیر کرده است می‌ایستیم، در برابر همه‌ی تبعیض‌ها و ممنوعیت‌هایی که زندگی را در این کشور به بقای صرف در اردوگاه‌های کار اجباری شبیه کرده است می‌ایستیم، ما در برابر فساد گسترده و دم‌افزونی که فقر افسارگسیخته و استیصال بی‌سابقه را بر اکثر شهروندان تحمیل کرده است می‌ایستیم، ما در برابر یکایک قوانین و اقدامات موحشی که زندگی عمومی و خصوصی شهروندان را با رعب و وحشت دائمی عجزین کرده است می‌ایستیم. ما در برابر دروغ‌های موهن و نفرت‌انگیز و بی‌پایان می‌ایستیم. پرسشی اگر همچنان باقی مانده باشد این است که در برابر این میزان از استبداد و فقر و فساد و تبعیض و ویرانی زیست‌محیطی چه کاری جز ایستادن در کنار این جوانان آزادی‌خواه می‌توان کرد، جوانانی که جانشان را بر سر دست گرفته‌اند و به مدنی‌ترین صورت ممکن برای احقاق حقوق بنیادین خود به پا خاسته‌اند و در خون خویش غلتیده‌اند؟ ما را هیچ چیز از ایشان جدا نخواهد کرد.

ما مترجمان طی ده‌ها سال کوشیده‌ایم تجربه‌ها و آثار ادبی و فکری جهان را به دست شهروندان ایران برسانیم. در این راه، همان سدهایی که اکنون در برابر صدای این جنبش قد علم کرده در برابر ما بوده است. همان سدهایی که کارشان قطع ارتباط شهروندان ایران با یکدیگر و با جهان بوده است، سال‌ها بین متن‌ها و شهروندان قرار داشته. این سدها توانست مانع رسیدن متن‌ها به شهروندان ایران شود و اکنون نیز نخواهد توانست مانع رسیدن صدای آزادی‌خواهی ایشان — این نویسندگان آزادی‌خواه — به جهان شود، که هیچ‌کجا هیچ‌زمان فریاد زندگی، آزادی، و زن بی‌جواب نمانده است.

ما مترجمان، ما شهروندان ایران، همچنان که این جنبش بزرگ به ما می‌آموزد، به عقب باز نخواهیم گشت و کوششمان را برای رسیدن به آزادی دوچندان می‌کنیم و به ایجاد روزنه‌های نو برای درهم‌شکستن سدهای سانسور برخوایم خاست. ما از امروز کتاب‌هایی را که این سدها مانع رسیدنشان به شهروندان شده‌اند از هر راهی که بتوانیم بدون سانسور منتشر خواهیم کرد، گرچه واقفیم که این شعاعی از آفتاب درخشان این جنبش و جوانانش نیز نخواهد بود. هم‌صدا با میلیون‌ها شهروند ایران آزادی‌فوری و بی‌قید و شرط همه‌ی زندانیان سیاسی — جوانان جنبش، دانشجویان، نویسندگان، کارگران، کارگردانان، وکلا، ورزشکاران، پزشکان، معلمان، دانش‌آموزان و دیگر گروه‌های جامعه — را حقی می‌دانیم که اگر احقاق نشود، بی‌تردید به هر قیمتی ستانده خواهد شد؛ همچنان که حق آزادی اندیشه و بیان، حق آزادی تجمع، و حق آزادی انتخاب حکومت دموکراتیک برای ایران.



امضاکنندگان:

داریوش آشوری، عبدالله کوثری، سروش حبیبی، سرور کسمانی، محمد قائد، بابک احمدی، خشایار دیهیمی، عباس میلانی، محمدرضا جعفری، لیلا سازگار، نازی عظیمی، بهمن شعله‌ور، کاظم کردوانی، اکرم پدرام‌نیا، مسعود علیا، مراد فرهادپور، پیروز سیار، ع. پاشایی، علی اصغر حداد، فاطمه ولیانی، رضا فرخ‌فال، فرزانه طاهری، عباس مخبر، مهدی غبرایی، عبدالحسین وهاب‌زاده، زهرا خانلو، محمدرضا پارسایار، محمود حدادی، فیروزه مهاجر، رضی هیرمندی، حسن مرتضوی، محمد نبوی، احمد پوری، دینا بایندر، علی طهماسب، فرشته مولوی، محمدرضا پورجعفری، منصوره وحدتی، حسین باجلان‌فرخی، منیژه نجم‌عرفی، محسن بلغانی، فریدون مجلسی، آذر عالی‌پور، منوچهر بیگدلی‌خمسه، پرویز بابایی، صالح نجفی، پرویز صداقت، حسن هاشمی میناباد، لیلی گلستان، مصطفی مفیدی، آویده نهاوندی، نصرالله کسرائیان، کاوه فیض‌اللهی، عبدالرضا سالاربهزادی، علی کهریانی، فرزانه سجودی، تهیمینه زاردرشت، میثم محمدهامینی، حسام نقره‌چی، افشین خاکباز، حسام سلامت، ویولت رزاق‌پناه، بهروز صفدری، آزاد عندلیبی، علی شاهی، میلاد روشنی‌پایان، ویدا فره‌ودی، ناهید سلامی، امیر مازیار، فاطمه صادقی، رضا معتمدی، علیرضا مناف‌زاده، ناصر غیائی، فیروزان زهادی، شبنم سعادت، مانی صالحی‌علامه، هلیا دارابی، شروین پاشایی، کاظم فیروزمند، مریم مفتاحی، اصغر نوری، لیلا افشار، علیرضا سیف‌الدینی، مریم پوراسماعیل، سروش سیدی، سعید مقدم، نرگس سنائی، یاسر پوراسماعیل، فریبا ارجمند، علیرضا آبیژ، وازریک درس‌هاکیان، خاطره کُرد کریمی، حسین منصور، ملیحه بهارلو، حسین مکی‌زاده، لیلا صادقی، سیامند زندی، مسعود سالاری، سارا خلیلی‌جهرمی، منصور صدقی، داود مرزآرا، مریوان حلبچه‌ای، مونا حسینی، بهرام معصومی، صوفیا محمودی، ایمان گنجی، مزدک دانشور، آزاده کامیار، علی رزاقی، جواد گنجی، شبنم بزرگی، عباس سلیمی‌آنگیل، شیمای الهی، عرفان مجیب، پروانه ستاری، مرتضی ثقفیان، فریده حمیدی، مهدی خسروانی، فرمهر امیردوست، علی شاپوران، سحر یوسفی، پژمان واسعی، مهرخ غفاری‌مهر، محمدرئوف مرادی، رضا نجفی، هنگامه هویدا، علی عبداللهی، ثنا نصاری، فرشین کاظمی‌نیا، امیر هوشنگ افتخاری‌راد، سونا انزایی‌نژاد، بیژن صفدری، باهار افسری، محمدرضا خاکی، مهسا ملک‌مرزبان، حمید احمدی، علی حسن‌زاده، ساره پیمان، کیانوش اخباری، مریم طریزی، عباس وحدانی، رحمن بوذری، مینا حجت، محمدرضا معمارصادقی، فرشته وزیرینسب، عبدالمجید احمدی، مرجان محمدی، مهدی نصرالله‌زاده، طاهر جام‌پرستگ، حمید کاشانیان، سودابه قیصری، فؤاد نظیری، لیلا ضیا‌مجیدی، نیما جمالی، سعیدرضا اتحادی، نرگس حسن‌لی، روشنگ ضرابی، عادل بیابانگرد جوان، پریسا رشیدی، علیرضا حسینی، فرزانه راجی، غلامرضا صراف، وفادیری آیکنار، امیرحسین نیک‌زاد، امیر زمانی، فاطمه ترابی‌عسگری، محمدمه‌دی هاتف، مژگان دولت‌آبادی، مهدی ملک، مریم خدادادی، علیرضا بشردوست، فرهاد اکبر‌زاده، زهرا عالی، عبدالوهاب احمدی، بهروز عارفی، نرگس قنبدیل‌زاده، حامد عرفان، آهو الوند، مهدی یوسفی، مینوش صدوقیان‌زاده، حسین نوش‌آذر، لعلیا عالی‌نیا، سهیل رضائزاد، سمانه تنها، مهرداد پارسا، مریم برومند، شروین طاهری، حسن صالحی، آرزو مختاریان، نوید گرگین، سامی آل‌مهدی، مریم کهن‌سال نوده‌ی، حیدر خسروی، عظیمه ستاری، مهدی رفیع، سپیده کوتی، امین علی محمدی، مرجان ریخته‌گر، رامین پروین گنابادی، محمود حبیبی، ندا لهردی، رامین اعلایی، آری سرازش، عباس زندباف، آرش خوبانی، امید سهرابی‌نیک، شاهین شیرزادی، مرجان محمدی، مهدی یوسفی، پری رنجبر، امیرحسین یزدان‌بد، فرزین فرزام، مهشید بیورمن شریفیان، کاوه فولادی‌نسب، پروانه فخام‌زاده، سیدمحمد امیر، پریسا حکیم‌جوادی، پیوند جلالی، گلنار نریمانی، برهان ولدبیک، بهروز شادلو، سوسن اردبیلی، سینا خامی، افسانه نجاتی، رضا اسپیلی، زهرا معین‌الدینی، یوسف صفاری، مریم رضایی، امیرحسین حاج‌قنبری، سمیرا موسی، غلامعلی کشانی، موسی عسگری، فرناز شجاعی، سامگیس زندی، آرش مهرکش، محدثه‌واضحی‌فرد، نیما اورازانی، طلیعه حسینی، محمدرضا مهدوی‌فر، زهره قلی‌پور، امین جوانمرد، زهرا یوسفی، مهرداد مهرجو، محبوبه افشاری، نریمان افشاری، عبدالعلی براتی، ناهید رضازاده

The Signatories:

Dariush Ashoori, Abdollah Kowsari, Soroush Habibi, Sorour Kasmai, Mohammad Qaed, Babak Ahmadi, Khashayar Dayhimi, Abbas Milani, Mohammadreza Jafari, Lila Sazgar, Nazi Azima, Bahman Sholevar, Kazem Kardavani, Akram Pedramnia, Masoud Olia, Morad Farhadpour, Pirouz Sayar, A. Pashai, Aliasghar Haddad, Fateme Valiyani, Reza Farokhfal, Farzane Taheri, Abbas Mokhber, Mehdi Ghabrai, Abdolhossein Vahabzade, Zahra Khanlou, Mohammadreza Parsayar, Mahmoud Haddadi, Firouze Mohajer, Razi Hirmandi, Hasan Mortazavi, Dina Bayandor, Mohammad Hossein Nabavi, Ahmad Pouri, Ali Tahmasb, Fereshite Molavi, Mohammadreza Pourjafari, Mansoureh Vahdati, Hossein Bajelan-farokhi, Manizhe Najm-Araghi, Mohsen Yalfani, Fereydoun Majlesi, Azar Alipour, Manouchehr Bigdeli-Khamse, Parviz Babai, Saleh Najafi, Parviz Sedaqat, Hasan Hashemi-Minabad, Lili Golestan, Mostafa Mofidi, Avide Nahavandi, Nasrollah Kasraian, Kave Feizollahi, Abdolreza Salarbehzadi, Ali Kahrobai, Farzan Sojoudi, Tahmine Zardasht, Meisam Mohammad-Amini, Hesam Noghrechi, Afshin Khakbaz, Hesam Salamat, Violet Razzaghpahanah, Behrouz Safdari, Azad Andalibi, Ali Shahi, Milad Roshani-Payan, Vida Farhoudi, Nahid Salami, Amir Maziyar, Fateme Sadeghi, Reza Motamedi, Alireza Manafzade, Naser Ghiasi, Forouzan Zohadi, Shabnam Saadat, Mani Salehi-Allame, Heliya Darabi, Shervin Pashai, Kazem Firoozmand, Maryam Meftahi, Asghar Nouri, Leila Afshar, Alireza Seifadini, Maryam Pouresmail, Soroush Seyedi, Saeed Moghadam, Narges Sanai, Yaser Pouresmail, Fariba Arjmand, Alireza Abiz, Vazrik Dersahakian, Khatere Kurd-Karimi, Hossein Mansouri, Malihe Baharlou, Hosein Mackizade, Leila Sadeghi, Siamand Zandi, Sara Khalili-Jahromi, Massoud Salari, Mansour Sedghi, Davood Marzara, Marivan Halabchei, Mona Hoseini, Bahram Masoumi, Soufia Mahmoudi, Iman Ganji, Mazdak Daneshvar, Azade Kamyar, Ali Razzaghi, Javad Ganji, Shabnam Bozorgi, Abbas Salimi-Angil, Shima Elahi, Erfan Mojib, Parvane Sattari, Morteza Saqafiyani, Faride Hamidi, Mehdi Khosravani, Farnmehr Amirdoost, Ali Shapouran, Sahar Yousefi, Pejman Vasei, Mahrokh Ghafarimehr, Mohammadraouf Moradi, Reza Najafi, Hengame Hoveida, Ali Abdolahi, Sana Nasari, Farshin Kazeminiya, Amirhoushang Eftekhari-Rad, Sona Anzabinezhad, Bizhan Safdari, Bahar Afsari, Mohammadreza Khaki, Mahsa Malek-Marzban, Hamid Ahmadi, Ali Hasanazade, Sareh Peyman, Kianoush Akhbari, Maryam Tarzi, Abbas Vahdani, Rahman Bouzari, Mina Hodjat, Mohammadreza Memarsadeghi, Fereshite Vazirinasab, Abdolmajid Ahmadi, Marjan Mohammadi, Mehdi Nasrollahzade, Taher Jambarsang, Hamid Kashaniyan, Soudabe Qeisari, Foad Naziri, Leila Ziamajidi, Nima Jamali, Saeedreza Etehad, Narges Hassanli, Roshank Zarrabi, Adel Biabangard-Javan, Parisa Rashidi, Alireza Hasani, Farzane Raji, Gholamreza Sarraf, Vafa Dabiri-Abkenar, Amirhossein Nikzad, Amir Zamani, Fateme Torabi-Asgari, Mohammad-Mehdi Hatef, Mozghan Dowlatabadi, Mehdi Malek, Maryam Khodadadi, Alireza Bashardoust, Farhad Akbarzade, Zahra Aali, Abdolwahab Ahmadi, Behrouz Arefi, Narges Qandilzade, Hamed Erfan, Ahoo Alvand, Mehdi Yousefi, Minoush Sadoughianzade, Hossein Noushazari, Layaa Aalinea, Soheil Rezanezhad, Samane Tanha, Mehrdad Parsa, Maryam Boroumandi, Shervin Taheri, Hasan Salehi, Arezou Mokhtariyan, Navid Gorgin, Sami Al-Mehdi, Maryam Kohansal-Nodehi, Heidar Khosravi, Azime Sattari, Mehdi Rafi, Sepide Kouti, Amin Alimohammadi, Marjan Rikhtegar, Ramin Parvin-Gonabadi, Mahmoud Habibi, Neda Laherdi, Ramin Alai, Ari Sarazesh, Abbas Zandbaf, Arash Khoobani, Omid Sohrabinik, Shahin Shirzadi, Marjan Mohammadi, Mehdi Yousefi, Pari Ranjbar, Amirhossein Yazdanbod, Farzin Farzam, Mahshid Bjurman-Sharifian, Kave Fouladinassab, Parvane Fakhamzade, Mohammad Amir, Parisa Hakimjavadi, Peyvand Jalali, Golnar Nariman, Borhan Valadbeigi, Behrouz Shadlou, Susan Ardebili, Sina Khami, Reza Espili, Afsane Nejati, Zahra Moinedini, Yousef Saffari, Maryam Rezaei, Amirhossein Hajghanbary, Samira Mousa, Gholamali Keshani, Mousa Asgari, Farnaz Shojai, Samgis Zandi, Arash Mehrkash, Mohades Vazehi, Nima Orazani, Talie Hosseini, Mohamadreza Mahdaviyar, Zahra Qolipour, Amin Javanmard, Zahra Yousefi, Mehrdad Mehrjou, Mahboube Afshari, Nariman Afshari, Abdolali Barati, Nahid Rezazade



هاوشانی بزووتنه‌وی «ژن، ژیان، ئازادی»

ئیمه وه‌کوو وه‌رگێر ده‌قه‌کان ئه‌وکاته‌ی به‌ کوژتایی دین، وه‌رده‌گیرینه‌وه. ئه‌و ده‌قه‌ی که ئیستا له ئاستی ئێران ده‌نوسریت، هه‌زاران نووسه‌ری هه‌یه و له هه‌مان کات به‌ یه‌ک زمان وه‌رده‌گیریت‌ه‌وه. بۆ به‌ریوه‌بردنی ئهم ئه‌رکه‌ جگه‌ له‌ زانیی رینوس و زمانی ئهم راپه‌رینه‌ مه‌زنه، شتیک تر پینوست نیه. هه‌ر هاوولاتی لهم باروودوخه‌دا وه‌رگێری ده‌نگی خو‌ی و هه‌مووانه. ئیمه‌ کوومه‌له‌ی وه‌رگێران وه‌کوو هه‌موو هاوولاتیانی ئێران و جیهان، ناوی ره‌مزی ژینا(مه‌هسا) ئه‌مین، ژنان، پیاوان و منداله به‌ خوین نووستوه و به‌ندکراوه‌کانی بزووتنه‌وی گشتی ئێران، له‌ گه‌ل خومان و هه‌مووان دووباره‌ ده‌که‌ینه‌وه. دروشمی گشتی و زه‌مه‌ن خولقیه‌ری ”ژن، ژیان، ئازادی“ مان – که به‌ واتای ئاسوی داهاتووی گه‌شی ئهم ولاته‌یه – بیستوه، ده‌لییه‌وه‌و به‌ هه‌موو زمانیک دووپاتی ده‌که‌ینه‌وه.

ئیمه‌ وه‌کوو کوومه‌له‌ی وه‌رگێرانی سه‌ربه‌خو، هاوشانی ملوینان هاوولاتی دژی هه‌ر چه‌شنه‌ چه‌وسانه‌وه‌ ده‌هه‌ستین که هه‌مووانی به‌ گشتی و ژنانه‌ی به‌ تایه‌تی کوژ و به‌ند کردوه. دژی ئه‌و هه‌موو جیاوازی و قه‌ده‌خه‌کردنانه‌ی که ژیان لهم ولاته‌دا تا ئاستی ”مانه‌وه‌ی رووت“ له‌ ئوردوگا‌کانی ئیشی زۆره‌ ملی نرم کردوه‌ته‌وه. له‌ دژی ئه‌و گه‌نده‌لییه‌ به‌ربلا‌وانه‌ی که هه‌ژاریه‌کی له‌ راده‌ده‌ربه‌ر و ناو‌می‌ده‌کی بێ وینه‌ی به‌سه‌ر هاوولاتیانی سه‌پاندوه. ئیمه‌ دژ به‌ هه‌ر چه‌شنه‌ یاسا و هه‌ولیکێ درپنده‌ن راده‌په‌رین که بژیوی گشتی و تایه‌تی هاوولاتیانی به‌ ترس و ته‌نگه‌زی هه‌تاهه‌تایی ئالۆز کردوه. ئیمه‌ دژی ئه‌و هه‌موو درۆ و ده‌سه‌له‌ قه‌یه‌وه‌نه‌ بێ کوژتاییانه‌ ده‌هه‌ستین.

پرسا‌ریک هه‌شتا ئه‌گه‌ر مابیت ئه‌مه‌یه، له‌ به‌رانه‌ری ئهم ئاسته‌ له‌ دیکتاتوریه‌ت و هه‌ژاری و گه‌نده‌لی و جیاوازی هه‌رچه‌شنه‌ و کاولکاری ژینگه‌ چی باشتر له‌ وه‌ستانی شان به‌ شانی ئهم نه‌وه‌ی نوێ ئازادیخوازه‌ ده‌توانی بکری‌ت؟ ئه‌و لا‌وانه‌ی گیانی به‌رزیان خه‌لات کردوه و به‌ ئاشتیانه‌ترین رێگه‌ بۆ وه‌رگرتنه‌وه‌ی مافه‌ سه‌ره‌کییه‌کانیان راپه‌ریون و له‌ خوینی خویاندا خه‌لتاون! هه‌یچ شتیک هه‌یزی ئه‌وه‌ی نیه‌ نیوانی ئیمه‌ و ئه‌وان بۆشایی به‌هینیت‌ه‌وه.

ئیمه‌ وه‌کوو وه‌رگێر، ده‌یان ساله‌ هه‌ولمان داوه‌ ئه‌زمون و ده‌قه‌ ئه‌ده‌بی و رۆناکبیرییه‌کانی جیهان به‌ ده‌س هاوولاتیانی ئێران بگه‌یه‌نین. له‌ پیناوی ئه‌نجامدانی ئهم ئه‌رکه‌ پیرۆزه‌دا، هه‌مان به‌ربه‌ستانه‌ی که هه‌ول ده‌ده‌ن ئهم بزووتنه‌وه‌ی دوواییه‌ په‌ک به‌خن، له‌ دژی ئیمه‌یش راشکا‌وانه‌ وه‌ستا‌وه‌ن. هه‌ر ئه‌و به‌ربه‌ستانه‌ی که هه‌ول ده‌ده‌ن کیشه‌ بۆ په‌یوه‌ندی نیوان هاوولاتیانی ئێران له‌ گه‌ل یه‌ک و له‌ گه‌ل دنیای ده‌ره‌ به‌ ئارادا بێن. به‌لام ئهم هه‌ولانه‌ نه‌یان‌توانیوه‌ کیشه‌ بو‌گه‌یاندنی ده‌قه‌ ئه‌ده‌بیه‌کان بۆ هاوولاتیان بێنه‌ کایه‌وه. هه‌ر ئیستایش ئه‌و هه‌یه‌یانه‌ نیه‌ ئاسته‌نگ له‌ نیوان ده‌نگه‌ رزگاریخوازه‌کان و جیهانی ده‌ره‌وه‌ بن. باش ده‌زانین له‌ هه‌یچ شوین و کاتیک ده‌نگدانه‌وه‌ی ژیان و ئازادی و ژن بێ وه‌لام نامینیت‌ه‌وه.

ئیمه‌ی وه‌رگێر، ئیمه‌ی هاوولاتی ئێران به‌و چه‌شنه‌ی لهم بزووتنه‌وه‌ مه‌زنه‌ فیر بو‌وین، ناکشینه‌وه! هه‌یز و ویستمان بۆ گه‌یشتن به‌ ئازادی به‌ گر ده‌خه‌ین و بۆ به‌ دیه‌ییانی هه‌ر دزه‌یه‌کی نوێ له‌ پیناو رووخانی هه‌ر چه‌شنه‌ به‌ربه‌ستی سانسور، راده‌په‌رین! ئیمه‌ له‌مه‌ودووا ئه‌و کتیبانه‌ی که سالانیکه‌ به‌ بیانونوی سانسور رێگه‌ی بلا‌وکردنه‌وه‌یای لێ برا‌وه، به‌ هه‌ر شیوه‌یه‌ک که بکری‌ت بلا‌و ده‌که‌ینه‌وه. ئه‌گه‌رچی به‌ئاگاین ئهم هه‌وله‌ به‌راورد له‌ گه‌ل هه‌تاوی گه‌ش و به‌تینی ئهم بزووتنه‌وه‌ و لا‌وه‌کانی، ته‌نانت ترووسکه‌یه‌کی لا‌واز و بێ تینیش نیه! هاوده‌نگ له‌ گه‌ل ملوینان هاوولاتی ئێران، رزگاربونی خیرا و بێ مه‌رجی هه‌موو به‌ندکراوه‌ سیاسیه‌کان بریتی له‌ لا‌وان، خویندکارانی زانکو، نووسه‌ران، کریکاران، ده‌ره‌ینه‌ران، دادوه‌ره‌کان، وه‌رزشکاران، پزیشکه‌کان، مامۆستایان، قوتابیان و هه‌موو چین و توێژه‌کانی تری کوومه‌لگا، به‌ مافیکی ره‌وا ده‌زانین که ئه‌گه‌ر هاتوو به‌ خو‌رائی به‌ دی نه‌هات ئینجا به‌ نرخیکی چاوه‌روانه‌کراو بۆ ده‌سه‌لات به‌ دی دپت! به‌ هه‌مان شیوه‌یش؛ مافی ئازادی بیر و با‌وه‌ر، مافی خو‌پیشاندانی گشتی و له‌ دووایشدا مافی هه‌لبژاردنی ده‌سه‌لاتیکێ نوێ و دموکراتیک بۆ ئێران!

EN The Statement of Iranian Translators in Solidarity with the “Woman, Life, Freedom” Movement

We translators always translate the stories after their completion. The story written in Iran right now has thousands of authors. As it is written, it is translated into one language: humanity! For this translation, one only needs to know the language's grammar. Nowadays, each Iranian citizen is the translator of their and others' words. Like all other Iranian citizens, we translators have used the name of Zhina (Mahsa) Amini and many other Iranian men and women who were brutally murdered during the protests to send our message to the world. We have shouted 'Life, woman, freedom', the key slogan of the Iranian movement, in every language we know.

We are standing with millions of Iranians, especially Iranian women who have been harshly oppressed by the regime. We denounce all discriminations and restrictions to freedom imposed by the regime, which have turned Iran into a prison. We stand against the economic corruption that has resulted in poverty and poor living conditions for most Iranians. We condemn all barbaric laws, which have been put in place to cause fear and give the regime the power to control both public and private lives of Iranians. We denounce all the lies told by the regime to the citizens of Iran.

What is the most effective way to fight tyranny, poverty, corruption, prejudice and environmental destruction other than standing in solidarity with the enlightened youth of Iran who risk their lives by fighting in the most civilized way for their basic human rights? We will never leave them alone!

In the past decades, we have always strived to deliver world literature to our fellow Iranians. We have faced the same barriers, which lie before the peaceful movement of the Iranian youth today: restriction, censorship, and repression. The regime has always built walls between Iranians and the rest of the world. However, they have never succeeded in silencing the voices of Iranians and shutting down their cry for freedom because Iranians have always been the writers of their own lives. Today they shout louder than ever: Woman, life, freedom.

We translators, we citizens of Iran, will never return to the past. We will only fight harder to crack the censorship wall. From now on, we will publish the uncensored versions of all our translated books. What we do might be a drop in the ocean in comparison to the big tides of the Iranian youth movement; however, “no matter how small the step, forward is forward”.

Together with millions of Iranians, we demand immediate and unconditional freedom for all political prisoners in Iran, including teenagers and young members of the movement, students, writers, workers, film directors, lawyers, athletes, doctors, and teachers. If the regime does not grant us our rights, we will fight for them at any cost. We will win our right to freedom of thought, freedom of speech, peaceful protests, and a democratic government in Iran.



FR En solidarité avec le mouvement “Femme, Vie, Liberté”

Nous, traducteurs, avons l'habitude de traduire les textes une fois leur rédaction terminée. Le texte qui, de nos jours, est en train de s'écrire en Iran a des milliers d'auteurs et c'est en s'écrivant, qu'il trouve sa traduction. Cette traduction demande avant tout la connaissance de la grammaire de ce mouvement. Chaque citoyen est à présent le traducteur non seulement de sa propre voix, mais aussi de celle des autres.

Nous, traducteurs, au même titre que tous les citoyens d'Iran et du monde, avons des milliers de fois scandé le nom de code Gina (Mahsa) Amini et de tous les autres femmes, hommes et enfants emprisonnés ou gisant dans leur sang. Devenu mondial, le slogan « Femme, Vie, Liberté », bâtisseur de l'avenir de notre pays, a été, à maintes reprises, entendu, crié, répété dans toutes les langues que nous connaissons.

Nous, traducteurs, nous tenons aux côtés des millions de citoyens afin de nous opposer à toute forme d'hégémonie cherchant à nous enchaîner et surtout à enchaîner les femmes de quelque manière que ce soit ; à toutes les ségrégations et interdictions réduisant la vie des citoyens de ce pays à la survie comme dans un camp de travail forcé. Nous nous opposons à cette corruption généralisée et galopante qui plonge la majorité de la population dans une pauvreté et une consternation sans précédents. Nous nous opposons à tous les lois et règlements qui enserrant la vie privée et publique des citoyens dans un climat de peur et d'effroi permanents. Nous nous opposons aux mensonges répugnants, perpétrés sans cesse contre tout un chacun. Que peut-on faire d'autre, se demanderait-on, face à ce système dictatorial, face à la pauvreté, à la corruption, à la ségrégation, face au délabrement environnemental ? Que peut-on faire d'autre que de se tenir aux côtés des jeunes en quête de liberté ? Des jeunes qui brandissant leur courage à bout de bras, se révoltent de manière civile afin de réclamer leurs droits fondamentaux et qui hélas, tombent sous les balles. Non, rien ni personne ne nous empêchera de nous tenir à leurs côtés.

Nous, traducteurs, avons depuis des décennies, œuvré afin de faire parvenir expériences et œuvres littéraires et intellectuelles du monde aux mains des citoyens iraniens. Ce faisant, nous étions confrontés à tous les obstacles qui entravent aujourd'hui la voix de ce mouvement. Ces mêmes obstacles qui cherchaient à rompre le lien des citoyens iraniens entre eux et avec le reste du monde se sont longtemps érigés entre les citoyens et les œuvres. Or, au même titre qu'ils n'ont réussi à empêcher celles-ci à atterrir dans les mains de ceux-là, ils ne réussiront à étouffer le cri de liberté des jeunes auteurs de ce mouvement. Jamais nulle part le cri de Vie, de Liberté et surtout de Femme n'est resté privé d'écho.

Nous, traducteurs, nous, citoyens iraniens, prenant dorénavant acte des leçons de cet extraordinaire mouvement de libération, ne ferons pas un seul pas en arrière. Nous multiplierons tous nos efforts jusqu'à la liberté, nous ouvrirons de nouvelles brèches dans le barrage de la censure jusqu'à sa destruction totale. Dès à présent, nous nous engageons à faire paraître tous les livres dont la publication a été empêchée. Sachant que tous nos efforts réunis ne constituent même pas la moitié d'un seul rayon du soleil radieux qu'est le mouvement de la jeunesse de ce pays.

Nous nous joignons à des milliers de citoyens iraniens afin d'exiger la libération immédiate et sans condition de tous les prisonniers politiques, - jeunes manifestants, étudiants, écrivains, ouvriers, réalisateurs, avocats, sportifs, médecins, instituteurs, lycéens et autres, convaincus que la liberté de pensée, d'expression, de rassemblement, comme celle du choix d'un gouvernement démocratique pour l'Iran, sera obtenue à un prix certes élevé, mais sera obtenue.



ES En Solidaridad con el Movimiento “Mujer, Vida, Libertad”

Los traductores siempre traducimos las historias una vez finalizadas. La historia escrita en Irán ahora mismo tiene miles de autores. Tal como está escrito, está traducido a un solo idioma. Para esta traducción, solo se necesita conocer el lenguaje de este movimiento. Hoy en día, cada ciudadano iraní es el traductor de sus propias palabras y de las de los demás. Como todos los demás ciudadanos iraníes, los traductores hemos utilizado el nombre misterioso de Yina (Mahsa) Amini y de muchos otros hombres y mujeres iraníes que fueron brutalmente asesinados durante las protestas para enviar nuestro mensaje al mundo. Hemos gritado “Vida, Mujer, Libertad”, el lema clave y universal del movimiento iraní, en todos los idiomas que conocemos.

Apoyamos a millones de iraníes, especialmente a las mujeres iraníes que han sido duramente oprimidas por el régimen. Denunciamos todas las discriminaciones y restricciones a la libertad impuestas por el régimen, que han convertido a Irán en una prisión. Nos oponemos a la corrupción económica que ha resultado en pobreza y malas condiciones de vida para la mayoría de los iraníes. Condenamos todas las leyes bárbaras que se han establecido para infundir miedo y dar al régimen el poder de controlar la vida pública y privada de los iraníes. Denunciamos todas las mentiras contadas por el régimen a los ciudadanos de Irán.

¿Cuál es la forma más eficaz de luchar contra la tiranía, la pobreza, la corrupción, los prejuicios y la destrucción del medio ambiente, de solidarizarse con la juventud ilustrada de Irán que arriesga su vida luchando de la manera más civilizada por los derechos humanos básicos? ¡Nunca dejarlos solos!

En las últimas décadas, siempre nos hemos esforzado por llevar la literatura mundial a nuestros compatriotas. Nos hemos enfrentado a las mismas barreras que se encuentran hoy ante el movimiento pacífico de la juventud iraní: restricción, censura y represión. El régimen siempre ha construido muros entre los iraníes y el resto del mundo. Sin embargo, nunca han logrado callar la voz de la gente y apagar su grito de libertad porque los iraníes siempre han sido los escritores de sus propias vidas. Hoy gritan más fuerte que nunca: Mujer, vida, libertad.

Nosotros, los traductores, los ciudadanos de Irán, nunca volveremos al pasado. Solo lucharemos más duro para romper el muro de la censura. A partir de ahora, publicaremos las versiones sin censura de todos nuestros libros traducidos. Lo que hagamos podría ser una gota en el océano comparado con las grandes mareas del movimiento juvenil iraní; sin embargo, “por lo pequeño que sea el paso, adelante es adelante”.

Junto con millones de iraníes, exigimos la libertad inmediata e incondicional de todos los presos políticos en Irán, incluidos los adolescentes y jóvenes miembros del movimiento, estudiantes, escritores, trabajadores, directores de cine, abogados, atletas, médicos y maestros. Si el régimen no nos concede nuestros derechos, lucharemos por ellos cueste lo que cueste. Ganaremos nuestro derecho a la libertad de pensamiento, libertad de expresión, protestas pacíficas y un gobierno democrático en Irán.



DE **Aufruf einiger Literaturübersetzer Irans zur Unterstützung der Bewegung „Frau, Leben, Freiheit“**

Wir Übersetzer haben die Texte immer nach ihrer Beendigung übersetzt, aber der Text, der im Moment in Iran geschrieben wird, hat Tausende von Verfassern und wird gleichzeitig nach seiner Niederschrift in eine einzige Sprache übersetzt. Um diese Sprache zu verstehen, muss man der Grammatik der laufenden Bewegung mächtig sein. Jeder Bürger Irans ist zurzeit der Übersetzer seiner eigenen Stimme und die der anderen. Wir Übersetzer haben gleich den anderen Bürgern des Iran und der ganzen Welt den kennwortähnlichen Namen von Mahsa Amini sowie den Namen von vielen Frauen, Männern und Kindern, die entweder ermordet oder eingesperrt wurden, mehrere Male in Gedanken und mit anderen Kollegen wiederholt, auch die epochenmachende, in der ganzen Welt große Verbreitung erlangte und zukunftsweisende Parole „Frau, Leben, Freiheit“, haben wir immer wieder herangezogen, ihr Nachdruck verliehen und sie in alle Sprachen, die wir gelernt haben, übertragen.

Wir Übersetzer leisten Millionen Bürgern unseres Landes, insbesondere den Frauen, die allerlei Entbehrungen und Verboten ausgesetzt sind, Beistand. Wir leisten Widerstand gegen alle Formen der Diskriminierung und Ausgrenzung, die das ganze Land in ein einziges Konzentrationslager verwandelt haben. Wir leisten Widerstand gegen die weitverbreitete, landläufige Korruption, die der Mehrheit unserer Bürger zügellose Armut und ein noch nie dagewesenes Maß an Schutzlosigkeit aufgezwungen hat. Wir bekämpfen all die bestialischen Regelungen und Maßnahmen, die das gesellschaftliche sowie private Leben unserer Landsleute mit einem entsetzlichen und nie endenden Alptraum konfrontiert haben. Wir bekämpfen all die hemmungslosen, Abscheu erregenden Lügen, die uns Tag und Nacht aufgetischt werden. Falls eine Frage noch offen ist, sie lautet: Was könnte man angesichts über alle Maßen vorhandener Gewaltherrschaft, Armut, Korruption, Ausgrenzung und Umweltzerstörung anders vorgehen, als den freiheitsliebenden jungen Frauen und Männern, die sich unter Einsatz ihres Lebens und überaus vornehm agierend für die Verwirklichung ihrer Grundrechte erhoben haben, beistehen? Nichts kann uns von ihnen trennen! Seit Jahrzehnten versuchen wir als Übersetzer, die geistigen Errungenschaften und die literarischen Werke anderer Nationen der iranischen Leserschaft zugänglich zu machen. Dabei wurden wir mit den gleichen Hindernissen konfrontiert, mit denen nun die Stimme der Protestierenden konfrontiert ist; den gleichen Hindernissen, deren einzige Aufgabe darin lag, die Verbindung der Einheimischen zueinander und zu den anderen Nationen zu durchtrennen; den gleichen Hindernissen, die die Machthaber als Bollwerk gegen die fremden Texte bauen ließen. Aber solche Bollwerke konnten ihre Funktion nie erfüllen und werden auch heute unseren Ruf nach Freiheit nicht im Keime ersticken können. Die Welt hat diesen Ruf bereits gehört und bereits anerkannt, denn nirgendwo und zu keiner Zeit ist der Ruf nach Leben, Freiheit und Frauenrechten ohne Antwort geblieben.

Wir Übersetzer und Bürger des Iran werden in der gleichen Weise, wie diese große Bewegung uns lehrt, keinen einzigen Schritt mehr zurückweichen, stattdessen werden wir unseren Kampf für Freiheit mit doppelter Härte fortsetzen und auch versuchen, neue Taktiken zu entwickeln, um das Bollwerk der Zensur zu umgehen. Ab heute werden wir alle möglichen Mittel ergreifen, um jene Bücher an den Leser zu bringen, für deren Veröffentlichung die Zensurbehörde all die Jahre keine Genehmigung erteilt hat, wohl wissend, dass diese Maßnahme im Vergleich zu den großen Taten, die unsere Jugendlichen zur Zeit vollbringen, nur ein kleiner Schritt ist.

Zusammen mit Millionen Stimmen unserer Bürger fordern wir die sofortige und bedingungslose Freilassung von allen politischen Gefangen, inhaftierten Jugendlichen und eingesperrten Schriftstellern, Studenten, Filmemachern, Arbeitern, Anwälten, Sportlern, Ärzten, Lehrern, Schülerinnen, Schülern und anderen. Sollte sich das Recht dieser Menschen auf Freilassung nicht verwirklichen, wird es zweifelsohne anderweitig erkämpft, koste es, was es wolle! Darüber hinaus fordern wir unser Recht auf Denk-, Rede- und Versammlungsfreiheit sowie unser Recht auf die Wahl einer demokratischen Staatsform für Iran.



IT In solidarietà con il movimento "Donna, Vita, Libertà"

Noi traduttori traduciamo sempre le storie dopo il loro completamento. La storia scritta in Iran adesso ha migliaia di autori. Nel momento in cui viene scritta, è tradotta in un unico linguaggio: l'umanità! Per questa traduzione, uno ha solo bisogno di conoscere la grammatica del linguaggio. Oggi, ogni cittadino iraniano è il traduttore delle parole sue e degli altri. Come tutti gli altri cittadini iraniani, noi traduttori abbiamo usato il nome di Zhina (Mahsa) Amini e di molti altri uomini e donne iraniani che sono stati brutalmente assassinati, durante le proteste, per mandare un messaggio al mondo intero. Abbiamo urlato "Donna, vita, libertà", lo slogan chiave del movimento iraniano, in tutte le lingue che conosciamo.

Noi siamo dalla parte di milioni di Iraniani, specialmente le donne iraniane che sono state duramente represses dal regime. Noi denunciemo tutte le discriminazioni e le restrizioni alle libertà individuali imposte dal regime che ha trasformato l'Iran in una prigione. Noi siamo contro la corruzione del sistema economico del nostro paese che ha portato povertà e pessime condizioni di vita per la maggior parte degli iraniani.

Noi denunciemo tutte le bugie dette dal regime ai cittadini iraniani.

Qual è il modo più efficace di combattere la tirannia, la povertà, la corruzione, il pregiudizio e la distruzione del patrimonio ambientale del paese, dell'essere solidali con l'illuminata gioventù iraniana che rischia la propria vita combattendo nel modo più civile per i basilari diritti umani? Noi non li lasceremo mai soli!

Nelle decadi passate, noi ci siamo sempre impegnati moltissimo per rendere disponibile la letteratura mondiale ai nostri compagni iraniani. Abbiamo affrontato le stesse difficoltà che opprimono oggi il movimento pacifico della gioventù iraniana: restrizioni, censura e repressioni. Il regime ha sempre costruito muri tra gli iraniani ed il resto del mondo tuttavia, non sono mai riusciti a rendere silenti le voci degli iraniani o a strozzare il loro grido per la libertà perchè gli iraniani sono sempre stati i protagonisti delle loro vite.

Oggi urlano più che mai a gran voce: "Donna, vita, libertà".

Noi traduttori, noi cittadini dell'Iran, non ritorneremo mai al passato. Noi combatteremo ancora più forte per abbattere il muro della censura. D'ora in avanti pubblicheremo le versioni non censurate di tutti i nostri libri. Quello che facciamo potrebbe essere una goccia nell'oceano a confronto delle grandi ondate del movimento dei giovani iraniani tuttavia "non importa quanto possa essere piccolo il passo, avanti è avanti."

Insieme ad altri milioni di iraniani, noi chiediamo l'immediata ed incondizionata liberazione di tutti i prigionieri politici in Iran, inclusi gli adolescenti ed i giovani membri del movimento, studenti, scrittori, lavoratori, registi, avvocati, atleti, dottori ed insegnanti. Se il regime non garantisce i nostri diritti, noi combatteremo per essi ad ogni costo. Noi vinceremo la lotta per i diritti di libertà di espressione, di pensiero, per poter manifestare pacificamente e per un governo democratico in Iran.



SV I solidaritet med "Kvinna, Liv, Frihet" Rörelsen

Vi översättare översätter alltid berättelserna efter att de är färdiga.

Berättelsen som skrivs i Iran just nu har tusentals författare. Som det är skrivet är det översatt till ett språk: mänsklighet! För denna översättning behöver man bara känna till språkets grammatik. Nuförtiden är varje iransk medborgare översättare av sina och andras ord. Liksom alla andra iranska medborgare har vi översättare använt namnet Zhina (Mahsa) Amini och många andra iranska män och kvinnor som brutalt mördats under protesterna för att meddela vårt budskap till världen. Vi har ropat "Kvinna, Liv och Frihet", den iranska rörelsens nyckelslogan, på alla språk vi kan.

Vi står med miljontals iranier, särskilt iranska kvinnor som har blivit hårt förtryckta av regimen. Vi fördömer all diskriminering och frihetsinskränkningar som regimen står för och som har förvandlat Iran till ett fängelse. Vi står emot den ekonomiska korruption som har resulterat i fattigdom och dåliga levnadsvillkor för de flesta iranier. Vi fördömer alla barbariska lagar som har införts för att skapa rädsla och ge regimen makten att kontrollera både offentliga och privata liv för iranier. Vi fördömer alla lögner som regimen har berättat för medborgarna i Iran.

Vilket är det mest effektiva sättet att bekämpa tyranni, fattigdom, korruption, fördomar och miljöförstöring annat än att stå i solidaritet med de upplysta ungdomarna i Iran som riskerar sina liv genom att kämpa på det mest civiliserade sättet för sina grundläggande mänskliga rättigheter? Vi kommer aldrig lämna dem ifred!

Under de senaste decennierna har vi alltid strävat efter att leverera världslitteratur till våra mediranier. Vi har ställts inför samma hinder som ligger inför den fredliga rörelsen för den iranska ungdomen idag: begränsningar, censur och förtryck. Regimen har alltid byggt murar mellan iranier och resten av världen. De har dock aldrig lyckats tysta iraniernas röster och tysta deras rop om frihet eftersom iranier alltid har skrivit sina egna liv. I dag ropar de högre än någonsin: Kvinna, liv, frihet.

Vi översättare, vi medborgare i Iran, kommer aldrig att återvända till det förflutna. Vi kommer bara att kämpa hårdare för att spräcka muren av censur. Från och med nu kommer vi att publicera o censurerade versioner av alla våra översatta böcker. Det vi gör kan vara en droppe i havet i jämförelse med den iranska ungdomsrörelsens stora tidvatten; dock, "oavsett hur litet steget är, är framåt framåt".

Tillsammans med miljontals iranier kräver vi omedelbar och ovillkorlig frihet för alla politiska fångar i Iran, inklusive tonåringar och unga medlemmar av rörelsen, studenter, författare, arbetare, filmregissörer, advokater, idrottare, läkare och lärare. Om regimen inte ger oss våra rättigheter kommer vi att kämpa för dem till varje pris. Vi kommer att vinna vår rätt till tankefrihet, yttrandefrihet, fredliga protester och en demokratisk regering i Iran.





Ի Աջակցութիւն «Կին, Կեանք, Ազատութիւն» Շարժումին

Մենք թարգմանիչներս, միշտ, գրութիւնները աւարտին հասնելուց յետոյ ենք թարգմանել, մինչդեռ, այն գրութիւնը որ այս պահին Իրանում է գրոււմ, հազարաւոր հեղինակներ ունի եւ գրւած պահին իսկ, թարգմանոււմ է միայն մէկ լեզւի. սակայն, նման թարգմանութեան համար հարկաւոր է իմանալ քեռականութիւնը այս շարժման: Իւրաքանչիւր քաղաքացի, այժմ դարձել է իր եւ այլոց ձայների թարգմանիչը: Մենք թարգմանիչներս, Իրանի եւ աշխարհի այլ քաղաքացիների պէս, այս շարժման բանտարկեալ եւ զոհ՝ Ժինա (Մահսա) Ամինիի, եւ այլ կանանց, տղամարդկանց եւ երեխաների գաղտնահունչ անունները բազում անգամ կրկնել ենք մեզ եւ ուրիշների համար ամբողջ երկրով մէկ, լսել ենք, ասել ենք, եւ հովովել ենք ինչ լեզուներով որ գիտենք «Կին, Կեանք, Ազատութիւն» համատարած եւ ժամանակակերտ կոչը, որը այս երկրի ապագայի յառաջընթացն է:

Մենք թարգմանիչներս, միլիոնաւոր քաղաքացիների կողքին, կանգնած ենք ամեն տեսակ բռնութեան դէմ, որ բոլորին, մասնաւորապէս կանաց, շղթայել է բազմաթիւ արգելքներով, կանգնած ենք բոլոր խտրութիւնների ու խոչընդոտների դէմ, որ պարտադիր աշխատանքային ճամբարների նմանողութեամբ գոյութիւնը այս երկրում դարձրել է կեանքի վատնում, կանգնած ենք համատարած եւ ուժգնացող փտախտի դէմ, որը անսախաղէպ, սանձարձակ եւ յուսահատեցուցիչ աղքատութիւն է պարտադրում քաղաքացիների մեծամասնութեանը, կանգնած ենք իւրաքանչիւր սարսափելի օրէնքի եւ գործունեութեան դէմ, որը քաղաքացիների անձնական եւ հանրային կեանքը վերածել է տեւական ահ ու սարսափի: Մենք կանգնած ենք անվերջանալի, զագրելի եւ պիղծ սուտերի դէմ: Եթէ տակաւին կայ մի հարց, պիտի լինի այն որ, այսչափ բռնութեան, աղքատութեան, փտախտի, խտրութեան եւ միջավայրի աւերածութեան դէմ, այս ազատատենչ երիտասարդների կողքին կանգնելուց բացի, ուրիշ ի՞նչ կարելի է անել. երիտասարդներ, ովքեր իրենց կեանքը վտանգած, ամեն հնարաւոր քաղաքացիական միջոցով, ի պաշտպանութիւն իրենց հիմնարար իրաւունքների ոտքի են կանգնել եւ գլորվել իրենց արիան մէջ: Ոչինչ մեզ նրանցից չի անջատի:

Մենք թարգմանիչներս, տասնեակ տարիներ ջանացել ենք աշխարհի փորձառութիւնները եւ գրական ու մտային արժէքները ներկայացնել Իրանի մեր հայրենակիցներին: Այդ ընթացքում, նոյն պատնէշները որ այժմ արգելափակում են այս շարժման ձայնը, յառնել էին մեր դէմ: Նոյն այն պատնէշները, որոնց գործը եղել է Իրանի քաղաքացիներին միմիանցից եւ աշխարհից անջատելը եւ որոնք տարիներ շարունակ գոյութիւն են ունեցել գրութիւնների եւ մարդկանց միջեւ: Այդ պատնէշները չկարողացան արգելել որ գրութիւնները Իրանի քաղաքացիներին հասանելի դառնան եւ այժմ նոյնպէս չեն կարողանալու խափանել որ այդ ազատատենչ գրողների ձայնը աշխարհին չհասնի, քանի որ ոչ մի տեղ, ոչ մի ժամանակ, «Կին, Կեանք, Ազատութիւն» կանչը անպատասխան չի մնացել:

Մենք թարգմանիչներս, մենք Իրանի քաղաքացիներս, ինչպէս որ այս մեծ շարժումն է մեզ ուսուցանում, յետքայլ չենք կատարելու, եւ ազատութեան հասնելու համար, մեր ջանքերը կրկնապատկելու ենք եւ գրաքննութեան պատնէշները ջարդելու ի խնդիր նոր ելքերի ենք ձգտելու: Այսօրւանից մենք այն գրքերը որ արգելքների պատճառով ձախողւել է հասնել քաղաքացիներին, ինչ գնով էլ որ լինի կիրատարակենք առանց գրաքննութեան, գիտակցելով որ այս քայլը շարժման եւ իր երիտասարդների պայծառ արեւի մի շողը նոյնիսկ չէ: Միլիոնաւոր քաղացների հետ միաձայն, գտնում ենք որ բոլոր քաղաքական բանտարկեալների, (այս շարժման երիտասարդների, ուսանողների, գրողների, աշխատաւորների, բեմադրիչների, փաստաբանների, մարզիկների, բժշկների, աշակերտների, եւ համայնքի այլ խաւերի) անհապաղ եւ առանց այլեւայլի ազատումը, իրաւունք է, որ եթէ չիրագործւի, ինչ գնով էլ որ լինի ձեռք կբերւի, ինչպէս որ ձեռք կբերւի խօսքի եւ մտքի ազատութեան, հաւաքների ազատութեան, Իրանի համար ժողովրդավարական կառավարութիւն ընտրելու ազատութեան իրաւունքները:



RU

В поддержку движения “Женщины. Жизнь. Свобода”

Мы, переводчики, всегда переводили тексты после их окончания. У текста же, который создаётся сейчас в Иране, тысячи авторов. Этот текст одновременно с писанием, переводится на один понятный для всех язык. Его не нужно переводить, у него универсальная грамматика – грамматика жажды жизни. Каждый гражданин теперь переводчик голоса своего и других. Мы, переводчики, вместе с жителями Ирана и мира повторяем имя Жи́ны (Махсы) Амини, которое стало священным кодом и лозунгом, а вместе с ним имена ещё тысяч окровавленных и задержанных женщин, мужчин, детей и подростков в ходе этого Движения по всей стране. Мы слышали, говорили вслух и повторяли на всех известных нам языках универсальный и эпохальный лозунг «Женщины! Жизнь! Свобода!», определяющий светлое будущее этой земли.

Мы, переводчики, стоим рядом с миллионами граждан и выступаем против действий власти, направленных на ущемление прав всех людей, особенно женщин. Мы против любой дискриминации и всяческих запретов, которые превратили Иран в подобие концлагеря. Мы выступаем против всепоглощающей коррупции, которая привела большинство граждан к беспросветной нищете и беспрецедентному отчаянию. Мы выступаем против всех без исключения жестоких, диких законов и действий, которые смешивают общественную и частную жизнь граждан с постоянным террором. Мы выступаем против презрительной, бесконечной и ненавистной лжи. Остается открытым только один вопрос: что еще можно сделать против такой масштабной тирании, нищеты, коррупции, дискриминации и разрушения окружающей среды, кроме как поддержать этих свободолюбивых молодых людей? Молодые ребята, которые поставив на карту свои жизни, восстали самым цивилизованным образом и просто отстаивали свои фундаментальные права, но оказались в луже собственной крови. Ничто не сможет отделить нас от них.

Мы, переводчики, в течение десятилетий старались передать иранским гражданам художественное и интеллектуальное мировое наследие. На этом пути перед нами стояли те же самые барьеры, которые были воздвигнуты против голоса этого движения. Те же барьеры, которые отсекают общение иранских граждан друг с другом и с миром. Препятствия, которые годами стояли между текстами и гражданами. Так вот, эти препятствия не смогли помешать текстам дойти до граждан Ирана, и теперь они не смогут помешать миру слышать крик их души, крик этих свободолюбивых писателей жизни. Мир услышал их! На душевный крик “Жизнь. Свобода. Женщины” отозвались во всем мире.

Мы, переводчики, мы граждане Ирана, как это движение нас учит, уже никогда не отступим и удвоим свои старания на пути к достижению свободы. Мы найдем трещины в цензурной плотине и разрушим ее. С сегодняшнего дня мы всеми возможными путями будем издавать книги, которые в течение всех этих лет остались за плотиной цензуры. Мы понимаем, что это действие скромное, что это даже не луч того сияющего солнца, что всходит сейчас на небосклоне протеста. Но мы говорим в унисон с миллионами гражданами Ирана, и считаем, что немедленное и безоговорочное освобождение всех политических заключенных – молодых лидеров Движения, студентов, писателей, рабочих, режиссеров, адвокатов, спортсменов, врачей, учителей, школьников и других граждан – правовое требование. И если власть его не выполнит, то мы добьемся этого любой ценой. Также будут достигнуты права на свободу мышления и слова, свободу собраний, и свободу выбора демократической власти в Иране.

